

اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی

منوچهر توسلی نائینی* - رویا پورمراد**

(دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹)

چکیده

ازدواج با اتباع بیگانه از موضوعاتی است که در حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مورد سوال اصلی این است که اصل وحدت تابعیت زوجین یا اصل تعدد تابعیت زوجین اجرا شود؟ با نگاهی به نظام‌های حقوقی ایران و بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌توان به این نتیجه دست یافت که برخلاف نظام بریتانیا، ایران همچنان پس از سال‌ها پیرو نظریه وحدت تابعیت بوده و تنها در مواردی از نظریه استقلال نسبی تابعیت پیروی می‌نماید؛ در حالی که در بریتانیا سال‌هاست که نظریه استقلال تام تابعیت زن پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد که مشکلات به وجود آمده در طول سال‌های اخیر نشان می‌دهد که قانون تابعیت ایران در مورد اصل وحدت تابعیت کفاف مقتضیات جامعه‌ی امروز ایران را نداده و نیازمند تجدید نظرهای جدی در این زمینه است. لذا بازنگری در قواعد قانون مدنی ایران در باب ازدواج با اتباع بیگانه مندرج در بند ۶ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۷ قانون مدنی و همچنین ماده ۹۸۴ الزامی به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: ازدواج، استقلال تابعیت، تابعیت مضاعف، بیگانه، وحدت تابعیت.

* دانشگاه گروه حقوق - دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
tavassoli@ase.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
royapourmorad@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده یک واحد کوچک از اجتماع است. هر چه این واحد کوچک مستحکم تر باشد، اجتماع نیز از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. به همین دلیل قوانین کشورها از هر حیث باید این هدف را در خانواده تأمین نمایند. کمالینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل دهم به حفظ کیان خانواده اشاره دارد. ازدواج میان اتباع کشورهای مختلف و حمایت از نظریه وحدت در کانون خانواده، قانونگذاران کلاسیک را بر آن داشت تا در تابعیت زن نسبت به تابعیت همسر خود نوعی وابستگی و تبعیت به وجود آورند. در این رابطه، تابعیت مردان به عنوان شهروندان درجه یک و اصلی، به عنوان تابعیتی خدشه ناپذیر مطرح گردید؛ در صورتی که حق زنان در این زمینه نیز مانند سایر حقوق آن‌ها تا حدودی دچار تزلزل شد. لیکن از اواسط قرن بیستم و پس از آن که مباحث دفاع از تساوی حقوق زن و مرد از تریبون‌های داخلی و بین‌المللی مطرح و اسناد و کنوانسیون‌های جهانی در حمایت از آن تنظیم گردید، نوعی تفکر دیگر جایگزین آن دسته از استدلال‌ات کلاسیک شد و زنان به عنوان اعضای جامعه بشریت، دارای حق تابعیت مستقل و نیز حق حفظ تابعیت اصلی خود پس از ازدواج شناخته شدند. با توجه به این تحولات این سوال در حقوق ایران مطرح می‌شود که اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران با توجه به تحولات جهانی چه جایگاهی دارد؟ و آیا نیاز به تغییر قواعد حقوقی ایران در باب ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این سوالات در تحقیق اخیر ابتدا پس از بررسی نظریات موجود در خصوص تابعیت زن در اثر ازدواج، به جایگاه اصل وحدت تابعیت زوجین و بیان مشکلات اجرای این اصل در حقوق ایران خواهیم پرداخت و در ادامه به رویکرد بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی نسبت به اصل وحدت تابعیت زوجین پرداخته و از نتایج این تطبیق در نتیجه‌گیری استفاده خواهیم کرد..

۲. نظریات موجود در خصوص تابعیت زن در اثر ازدواج

مسئله ازدواج میان زوجین با تابعیت‌های مختلف همواره ذهن را به این پرسش مشغول داشته که آیا لازم است تابعیت یکی از زوجین بر دیگری تحمیل شود و هر دو دارای یک تابعیت گردند، یا نیازی به آن نیست و آن‌ها آزادند با داشتن تابعیت‌های متفاوت به زندگی مشترک خود ادامه دهند. با توجه به بحث برانگیز بودن این مسئله از نظر جامعه‌شناسی و حقوق

نظریه های مختلفی در خصوص آن ابراز گردیده است:

۲-۱- نظریه سنتی

علمای قرن نوزدهم در خصوص تابعیت زن معتقد بودند که «ازدواج در تابعیت تأثیر دارد و زن در اثر ازدواج، تابعیت شوهرش را کسب می کند» و در پاسخ به مخالفان این امر نیز دلایل گوناگونی ارائه شد: برخی آن را ناشی از سلطه شوهر نسبت به زن و برخی دیگر آن را نتیجه قهری وصف نهاد ازدواج دانستند. در کنار آن‌ها عده ای نیز بودند که عقیده داشتند این تغییر تابعیت از اراده خود زن ناشی می شود.^۱ در این دیدگاه حکومت دو قانون متفاوت در نهاد واحد یعنی خانواده غیر ممکن بوده است.^۲

۲-۲- نظریه مدرن

مسأله تاثیر ازدواج در تابعیت زن، از اوایل قرن بیستم به بعد به کلی تغییر شکل داده است. مبنای این تحول، فکر نوین تساوی حقوق زن و مرد در حقوق خانوادگی بوده است. به نظر بعضی، زن در موقع ازدواج تنها به شخص شوهر علاقه مند می شود نه به تابعیت، اقامتگاه، رژیم ازدواج و سایر امور شخصیه او.^۳ بر اساس این نظریه میان ازدواج اشخاص با تابعیت آنان باید تمایز قائل گردید. در واقع موافقان این نظریه معتقدند اتباع کشورهای مختلف می توانند با هم ازدواج نمایند بدون آنکه زنان مجبور باشند که تابعیت خود را از دست بدهند. و این امر هیچ منافاتی با وحدت جسمانی زن و شوهر نخواهد داشت و تفکیک تابعیت زن و شوهر در راستای احترام به حقوق زنان و به آزادی‌های فردی آنان می باشد.^۴ افزون بر این، در دیدگاه مدرن، ازدواج های چند ملیتی و یا ازدواج بین اتباع کشورهای متفاوت از عوامل گسترش و شناسایی تابعیت مضاعف خواهد بود.^۵

با توجه به انتقادات وارده به هر دو نظریه بهتر است گفته شود اگرچه لازم است زن و

۱. سلجوقی، محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۱)، ص ۲۰۵- نصیری، محمد، پیشین، ص ۵۳؛ ارفع نیا، ۱۳۷۴ همان منبع، ص ۸۸

۲. Baubock, Rainer, Ersboll Eva, Groenendijk Kees and Waldrauch Harald "Acquisition and Loss of Nationality". *Policies and Trends in 15 European states. vol. 1: comparative analyses*, (Amsterdam University Press, 2011), p 114

۳. نصیری، محمد، پیشین؛ صص ۵۳-۵۴

۴. شیخ الاسلامی، محسن، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴)، ص ۴۲

۵. Kochenov, Dimitry, "Double Nationality in the EU", *European Law Journal*, Vol.17, Issue.3, 2011, pp.323-343

شوهر برای حفظ و انسجام کانون خانواده تابعیت یکسان داشته باشند، اما از آنجائیکه تابعیت امری سیاسی است و به اراده دولت‌ها و تصمیم آنها وابسته است، بهتر است دولت‌ها حسب قوانین و مقررات و اوضاع و احوال جامعه خود تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کنند^۱.

۳- اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران

در نگاه کلاسیک هر یک از کشورها، بر حسب اینکه زن تبعه خارجه با یکی از اتباع آن کشور ازدواج کند یا اینکه زنی از اتباع داخله شوهر خارجی انتخاب نماید، سیستم‌های مختلف قبول کرده‌اند و معمولاً در صورت اول سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته و در صورت دوم سیستم استقلال (کامل یا نسبی) تابعیت را تجویز کرده‌اند. قانونگذار ایرانی هم رویه فوق را اتخاذ کرده است. بنابراین در قانون ایران، باید دو وضعیت متمایز را در نظر گرفت: یکی وضع زنان خارجی که شوهر ایرانی اختیار می‌کنند و دیگر وضع زنان ایرانی که با شوهر خارجی ازدواج می‌نمایند:

۳-۱- تابعیت زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج می‌نماید

درباره تغییر تابعیت زن بیگانه که با مرد ایرانی ازدواج می‌کند در بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی این عبارت آمده است: "هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند" تبعه ایران محسوب می‌شود". برای این که یک زن خارجی بتواند به موجب این بند تبعه ایران گردد، باید ازدواج او با مرد ایرانی ازدواجی صحیح باشد. بنابراین اگر نکاح بین این زن با مرد ایرانی نکاح باطلی باشد، زن مزبور نمی‌تواند تحصیل تابعیت ایران را بنماید. اثرات تابعیت ایران به محض وقوع ازدواج تولید می‌شود و زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار می‌نماید از تاریخ ازدواج ایرانی می‌گردد^۲

به بیان دیگر نتیجه این ازدواج، همان گونه که در ابتدای ماده ۹۸۶ قانون مدنی به آن تصریح شده، آن است که وی ایرانی می‌گردد، خواه قانون کشور متبوع او این تغییر را بپذیرد و خواه این ازدواج را در تابعیت او مؤثر نداند و او را همچنان تبعه خود به شمار آورد. در این حالت اخیر، با آنکه از دیدگاه قانون ایران او تنها دارای تابعیت ایرانی شناخته می‌شود لیکن از حیث

۱. ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۳)، ص ۱۰۸

۲. عامری، جواد (۱۳۵۱)، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران، انتشارات سایه، ۱۳۵۱) صص ۶۰-۶۱

قانون کشور متبوع پیشین، تابعیت آن کشور را از دست نمی‌دهد و باید او را از دید بین‌المللی دارنده دو تابعیت دانست.^۱

به موجب این بند لازم نیست ازدواج در ایران صورت بگیرد، بلکه کافی است شوهر تابعیت ایرانی و زن تابعیت کشور خارجی را داشته باشد.^۲ همچنین تابعیتی که زن خارجی در اثر ازدواج با مرد ایرانی اکتساب می‌کند قطعی است به این معنی که اگر شوهر در مدت زناشویی از تابعیت ایران خارج گردد، زن مزبور به تابعیت ایران باقی خواهد ماند (مگر اینکه مطابق ماده ۹۸۸، اجازه دولت برای ترک تابعیت شامل زن مزبور نیز بشود) و همچنین با پایان یافتن ازدواج (فوت شوهر، طلاق) خود به خود از بین نمی‌رود. البته به علت آنکه در موقع ازدواج اراده زن برای تحصیل این تابعیت به هیچ وجه مورد نظر قرار نگرفته است و با سر آمدن ازدواج دیگر موجبی وجود ندارد که تابعیت شوهر بر زن تحمیل شود، لذا قانون ایران برای بازگشت به تابعیت خود تسهیلات زیادی قائل شده است.^۳ در اینجا گرچه ممکن است تاثیر قواعد فقهی در تابعیت زوجه در ذهن متصور شود لیکن این امر مورد تردید است زیرا زوجیت امری خصوصی است که به «حقوق اشخاص» مربوط می‌شود، اما تابعیت مربوط به «روابط اشخاص با دولت» می‌باشد؛ لذا آثار زوجیت نباید به حقوق ملت در برابر دولت تسری داده شود (بداعی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

با وجود این، درخواست صدور شناسنامه برای بانوان خارجی دارای همسر ایرانی پس از انجام تشریفات ثبت ازدواج آنان با زوج ایرانی در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر است و صدور شناسنامه برای مضمولین بند ۶ ماده ۹۷۶ بدون ثبت ازدواج رسمی ممنوع می‌باشد.^۴

ماده ۹۸۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن غیرایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی محسوب می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده ای که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که ولاد او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند». البته زن سابقاً خارجی می‌تواند حتی پس از طلاق یا فوت شوهر ایرانی، کماکان به تابعیت ایران باقی

۱. سلجوقی محمود، پیشین، ص ۲۰۷

۲. مدنی، جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل خصوصی، (تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۰

۳. نصیری، محمد، پیشین؛ ص ۶۷

۴. محمد نبی، حسین، حقوق ایران و اتباع خارجه، (تهران، نشر کشاورز، ۱۳۸۲)، ص ۳۹

بماند. در این صورت او می‌تواند همچون دیگر ایرانیان به هر میزان مالک اموال غیر منقول شود اما اگر خواست از حق رد تابعیت خود استفاده کند و تابعیت ایران را رد کند، وضعیت او بار دیگر به حالت سابق خود در خواهد آمد و طبیعی است که با او به سان یک خارجی رفتار خواهد شد. بنابراین قانونگذار مقرر داشته است که دیگر نمی‌تواند همچون گذشته مالک اموال غیر منقول باشد و حدود مالکیت او همچون دیگر خارجی‌ان خواهد بود. یعنی نمی‌تواند مالک زمین زراعی باشد و یا نمی‌تواند بیش از آنچه که برای محل سکونت، کسب و صنعت لازم است، مالک اموال غیر منقول شود. حال اگر زن بیش از آنچه که داشتن آن برای خارجی‌ان مجاز است، مالک اموال غیر منقول باشد می‌بایست ظرف مدت یک سال از زمان خروج از تابعیت ایران و یا ظرف یک سال از زمانی که به ارث، اموال غیر منقولی بیش از حد لازم به او برسد، مالکیت میزان مازاد را از دست دهد. لازم به توضیح است که خروج ملک از مالکیت زن به هر شیوه و با هر عمل حقوقی امکان پذیر است مثلاً زن می‌تواند به عقد بیع و یا معاوضه مال را بفروشد و یا ملک را به هر که خواست هبه کند. قانونگذار جهت رعایت حریم حق مالکیت و احترام به حق مالک، به او اجازه داده است که ظرف یک سال خود در خصوص نحوه خروج مال از ملکیتش تصمیم‌گیری نماید. حال اگر زن به هر دلیلی از این دستور تبعیت ننمود، با نظارت دادستان محل و از طریق مزایده، میزان مازاد مال فروخته خواهد شد و پس از کسر مخارج عملیات مزایده، قیمت مال به زن داده خواهد شد.^۱

به طوری که ملاحظه می‌گردد قانونگذار خروج چنین زنی را از تابعیت ایران، هم سطح ترک تابعیت ایرانی ندانسته و به این جهت از حیث داشتن اموال غیر منقول در ایران درباره او مقرراتی ملایم‌تر نسبت به ترک‌کنندگان تابعیت ایران منظور داشته، افزون بر این صرف اعلام او به وزارت امور خارجه ایران برای خروج از تابعیت ایران و بازگشت به تابعیت نخستین خود را کافی دانسته است. در واقع پس از طلاق یا فوت شوهر، رابطه و پیوند تابعیتی که به واسطه ازدواج با مرد ایرانی پدیدار شده بود از بین می‌رود و در نتیجه قانونگذار ایرانی به زن مزبور حق داده است که از دولت ایران تقاضا نماید که به تابعیت اول خود رجوع کند و تابعیت ایران را رد نماید.

در مجموع به نظر می‌رسد که اصل وحدت تابعیت زوجین، در خصوص مردان ایرانی که با

۱. عزیزی، ستار؛ حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۹۰)، *تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل*، (همدان، دانشگاه بو علی سینا، ۱۳۹۰)، صص ۲۸۶-۲۸۸

زنان خارجی ازدواج می‌کنند، به صراحت در قانون مدنی ایران مورد قبول قرار گرفته است لیکن بعضی مواقع در عمل، آثار منفی انکار ناپذیری را نیز به دنبال داشته است از جمله اینکه هرگاه قوانین مملکت زوجه هم اجازه ترک تابعیت را به او ندهد و تابعیت اصلی را همچنان برای او حفظ کند، در این صورت زن، دارای تابعیت مضاعف می‌شود: تابعیت کشور شوهر و تابعیت کشور خودش. وجود چنین تابعیت دوگانه‌ای ممکن است اصل وحدت تابعیت در خانواده را با مشکلاتی روبه‌رو سازد.^۱ کما اینکه موضوع تابعیت مضاعف در مواردی باعث ایجاد تنش میان دولت‌ها شده و حتی در مواردی خاص به درگیری و مخاصمه نیز انجامیده است. بدیهی است که افراد دارای تابعیت مضاعف به دلیل داشتن پیوند با دولتی خارجی ممکن است به عنوان ابزار نفوذ آن دولت در کشور میزبان مورد استفاده قرار گیرند. بر همین اساس است که در برخی کشورها مانند مصر، آن دسته از اتباع کشور که از تابعیت خارجی نیز برخوردار هستند نمی‌توانند در سمت‌های مهم دولتی منصوب شوند. همچنین، تفاوت تابعیت زوجین در مواردی که ممکن است دولت‌های متبوع زن و شوهر روابطی خصمانه با یکدیگر داشته باشند، با توجه به محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی که برخی دولت‌ها برای اتباع دشمن قائل هستند مشکلاتی جدی برای زوجین و بقای زندگی مشترک آنان و حیات خانواده پدید خواهد آورد.^۲

به علاوه وجود تابعیت مضاعف یکی از مواردی است که اعمال قانون دولت متبوع راجع به احوال شخصیه را با اشکالاتی مواجه می‌سازد. هرگاه در یک دعوی مسأله‌ی احوال شخصیه فردی مطرح باشد که در آن واحد تابعیت دو (یا چند) دولت را دارد قاضی (اعم از قاضی ملی و قاضی بین‌المللی) ناگزیر است جریان دعوی را بر اساس یک تابعیت هدایت کرده و اظهار نظر نماید. اما قانونگذار ایرانی برای چنین مواردی نیز راه حل‌هایی را در نظر گرفته است. برای مثال، چنانچه راجع به آثار عقد ازدواج فوق‌دعوی در محاکم ایران اقامه شود، قاضی ایرانی می‌تواند بر اساس اینکه یکی از تابعیت‌های زن، تابعیت ایرانی است این دعوی را تابع قوانین ایران دانسته و حکم خود را صادر کند، یا اینکه قاضی می‌تواند بر اساس ماده ۹۶۳ قانون مدنی حتی اگر زوجین تبعه دو کشور مختلف باشند، روابط شخصی و مالی آنها را تابع قانون متبوع شوهر یعنی قانون ایران بداند. لیکن بعضی نویسندگان معتقدند که در این موارد چون دلیلی بر

۱. مدنی سید جلال‌الدین، پیشین، ص ۶۷

۲. همان، ص ۲۲۰

ترجیح قانون ملی یکی از زوجین بر دیگری وجود ندارد بهتر است از قانون اقامتگاه مشترک زوجین استفاده و در صورت فقدان اقامتگاه مشترک، قانون مقر دادگاه اجرا گردد^۱.

از دیگر مشکلات عملی تحمیل تابعیت شوهر بر زن، حمایت سیاسی از زنان خارجی است که در اثر ازدواج با مردان ایرانی، تبعه ایران محسوب می شوند، زیرا رابطه تابعیت در حقوق بین الملل عمومی برای تبعه آثار و نتایجی دارد که از جمله آنها استفاده از حمایت سیاسی دولت متبوع است. بنابراین دولت ایران وظیفه حمایت سیاسی از این زنان را به عهده دارد؛ در حالی که علاقه مندی چنین افرادی به ایران و شرط لیاقت آنان محرز نیست. زیرا تابعیت یک عمل حاکمیت دولت است و مخصوصاً در پذیرش به تابعیت باید مصالح کشور رعایت گردد. اولین مصلحتی که باید در امر پذیرش به تابعیت رعایت گردد این است که اشخاصی پذیرفته شوند که واقعاً علاقه مند به کشورند و نمی خواهند تابعیت ایران را وسیله ای برای اغراض خاص خود قرار دهند. به علاوه این تحمیل تابعیت تا حدی با اصل ۴۲ قانون اساسی در مورد اختیاری بودن کسب تابعیت ایران مغایر است^۲. همچنین تحمیل تابعیت شوهر بر زن با تحولات جدید در زمینه حقوق زن مغایرت دارد زیرا امروزه با تصویب کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از سوی ۱۸۶ دولت به نظر می رسد که دیدگاه سنتی مبتنی بر وحدت تابعیت در خانواده، جای خود را به نظریه مستقل دانستن تابعیت زنان داده است.

۳-۲- تابعیت زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می نماید

در حال حاضر بسیاری از زنان ایرانی در داخل کشور با مردانی از اتباع خارجی ازدواج کرده اند. با توجه به مقررات قانون مدنی ایران که بر مبنای شریعت اسلام تدوین گردیده است ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی صرفاً در دو حالت امکان پذیر است: حالت اول، ازدواج زن ایرانی مسلمان با مرد مسلمان غیر ایرانی و حالت دوم، ازدواج زن غیرمسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان تبعه خارجی. این دو حالت از مفهوم مخالف ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی بدست می آید که بر اساس آن «نکاح مسلمه با غیر مسلم» جایز شناخته نشده است. بنابراین در اولین بررسی ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی باید توجه داشت که هر گونه ازدواجی خارج از چارچوب فوق باطل و بلا اثر است.

۱. الماسی، نجاد علی، (۱۳۶۸)، *تعارض قوانین*، تهران، نشر مرکز دانشگاهی، (۱۳۶۸)، ص ۱۷۵
 ۲. توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۳)، «اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، مجله حقوق خصوصی»، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۱۳، مدنی، همان، صص ۵۳ و ۱۰۱

همچنین، قانونگذار ایرانی در جهت حفظ نظم عمومی و حمایت از اتباع خویش و تعمق و تدبیر آنان در حفظ مصالح خود، در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مقرر داشته است: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است». این ماده علاوه بر رعایت مصلحت دولت به منظور حمایت از زن و دقت بیشتر وی در ازدواج با بیگانگان تدوین شده است، زیرا با این ازدواج، زن از بسیاری از حقوق خود به عنوان یک تبعه ایرانی، که تا قبل از ازدواج بدون محدودیت از آن برخوردار بوده است بی‌بهره خواهد شد. ضمانت اجرای تخلف از این ماده و عدم تحصیل اجازه دولت، قبلاً در ماده ۱۷ قانون ازدواج (مصوب مرداد ۱۳۱۰) مقرر شده بود، که به موجب آن دفاتر ازدواج و طلاق مکلف می‌بودند از ثبت ازدواج‌هایی که برخلاف ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی است خودداری نمایند، در غیر این صورت مستوجب مجازات می‌شدند. اگرچه ضمانت اجرای مذکور شامل اشخاصی می‌شد که به تحصیل اجازه از دولت اقدام نکرده بودند و این امر به معنی بطلان ازدواج نبود^۱. با تصویب قانون جدید حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱ و ماده ۵۶ این قانون، "هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادرشده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود".

درباره چگونگی تأثیر ازدواج زن ایرانی با مردی از اتباع بیگانه در تابعیت زن، در قانونگذاری ایران دو مرحله متمایز دیده می‌شود: مرحله نخست مربوط به دوران قانون نامه است که در آن دوران یکی از آثار ازدواج تبعه ایرانی با تبعه خارجی اعم از زن یا مرد آن بود که تابعیت زن به تابعیت شوهر تغییر می‌یافت. به بیان دیگر: همان‌گونه که ازدواج زن بیگانه با مرد ایرانی سبب تغییر تابعیت او به تابعیت ایرانی می‌گردید، ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه نیز باعث تغییر تابعیت ایرانی زن به تابعیت بیگانه می‌شد. مرحله دوم با تصویب قانون تابعیت سال ۱۳۰۸ آغاز می‌گردد که در ماده ۱۲ آن قانون پیش‌بینی گردید: «زن ایرانی که با تبعه خارجه

۱. ابراهیمی نصرالله، پیشین، صص ۱۱۷-۱۱۸

مزاوجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.^۱ این قاعده به همین ترتیب در ماده ۹۸۷ قانون مدنی محفوظ مانده است. بنابراین باید گفت اینکه اگر ازدواج زن بیگانه با مرد ایرانی سبب تغییر تابعیت زن به تابعیت شوهر می‌گردد. در ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه تغییر تابعیت ایرانی زن بسته به آن است که قانون کشور متبوع شوهر آن را ایجاب کند.^۱ پس در این مورد قانونگذار ایرانی برای جلوگیری از بی‌تابعیتی و یا تابعیت مضاعف زن دو حالت را پیش بینی کرده است:

۶- هر گاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر در اثر ازدواج بر زن تحمیل گردد (یعنی آن کشور سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته باشد) برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی زن سلب می‌شود و دارای تابعیت شوهر خواهد شد. بنابراین هنگامی که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زن ایرانی تحمیل شود و یا قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد و زن ایرانی تابعیت مملکت زوج را اخذ کند، پیوندی که بین تبعه و دولت ایران وجود دارد از بین می‌رود و زن تبعه خارجی محسوب می‌شود و دیگر دولت ایران از چنین زنی حمایت سیاسی نمی‌کند.^۲

زنانی که بر اثر ازدواج با مرد بیگانه تابعیت ایرانی خود را به نفع تابعیت خارجی شوهر از دست می‌دهند به لحاظ آنکه نسبت به جامعه ایران بیگانه تلقی می‌شوند، در حقوق آنها نسبت به اموال غیر منقول در ایران به موجب قانون (تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانون مدنی) محدودیت ایجاد می‌گردد. این محدودیت با آنکه در همان زمینه ای است که درباره ترک کنندگان تابعیت ایران مقرر شده هیچ گاه بدان حد نبوده و همواره ارفاق آمیز بوده است، به گونه ای که پیش از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ برای آنها این امکان شناخته شده بود که حقوق خود را نسبت به اموال غیر منقول خود که پیش از ازدواج داشته‌اند محفوظ نگاهدارند و پس از این اصلاح نیز محدودیت آنها از حقوق نسبت به این نوع اموال محدود به وضعیتی گردیده که تملک آنها موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، حتی قید عدم قابلیت انتقال این حق به وراثت خارجی

۱. سلجوقی محمود، پیشین، ص ۲۱۴

۲. حلمی، نصرت الله (۱۳۸۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت و نظریه حمایت سیاسی/کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷)، ص ۴۶۵

آنها نیز در این اصلاح از قانون بر داشته شده است. افزون بر این، آنها از تکلیف خروج از ایران که درباره ترک کنندگان تابعیت ایران در قانون پیش بینی گردیده است معاف گردیده اند.^۱

به علاوه افزایش ورود غیر قانونی اتباع خارجی به ایران، خصوصاً پس از جنگ‌های اخیر در کشورهای افغانستان و عراق و ازدواج این افراد با زنان ایرانی که به جهت فقر و نا آگاهی از قوانین صورت پذیرفته، موجی از مشکلات را به همراه آورده است که یکی از آنها عدم امکان اعطای شناسنامه ایرانی به فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها می‌باشد. توضیح آنکه غالب این ازدواج‌ها بدون طی مراحل قانونی و صرفاً به صورت شرعی تحقق یافته و به همین دلیل و به موجب ماده ۸ اصلاحیه قانون ۱۳۳۸/۱۱/۱۶ هیچ دفترخانه اسناد رسمی علی‌رغم ازدواج شرعی این فراد اجازه نداشته و ندارد که این ازدواج‌ها را به صورت قانونی به ثبت برساند و لذا جاری ساختن آثار قانونی نکاح بر این ازدواج‌های غیر قانونی امکان پذیر نمی‌باشد. با عنایت به ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اطفال مورد بحث مشمول هیچ یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌باشند لذا فرزندان زن ایرانی که به واسطه ازدواج با مرد خارجی، تابعیت ایرانی خود را از دست داده است از داشتن شناسنامه ایرانی محروم خواهند شد چون طبق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تابعیت نسبی فقط از راه پدر پذیرفته شده است و این فرزندان تبعه کشور متبوع پدر محسوب می‌شوند. حال اگر پدر به علل مختلف از جمله ترس از شناسایی وضعیت غیر قانونی، برای اخذ شناسنامه خارجی آنان اقدام ننماید و یا پدر، خانواده را رها کرده باشد، این کودکان هیچ‌گونه شناسنامه و مدارک هویتی نخواهند داشت. و حتی تصویب ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲ نیز کمک شایانی به حل این مشکل نکرده است.^۲

(۲) هرگاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر تابعیت شوهر بر زن تحمیل نگردد (یعنی آن کشور سیستم استقلال تابعیت را پذیرفته باشد) به موجب حکم صدر ماده ۹۸۷، تابعیت زن به حالت خود باقی می‌ماند. با آنکه قانونگذار ایرانی برای خروج از تابعیت ایران سختگیری کرده، با وجود این در خصوص خروج زن ایرانی از تابعیت ایران پس از ازدواج با تبعه خارجی چنین

۱. سلجوقی محمود، پیشین، ص ۲۱۵

۲. عباسی، عاطفه؛ بداغی، فاطمه، "حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی"، مجله فقه و حقوق خانواده، ۱۳۸۸، شماره ۵۱، صص ۱۰۰-۱۰۱-توسلی نائینی، منوچهر "تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹"، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۰، ص ۴۴-فدوی لنجوانی، سلیمان، "نقدی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی"، مجله: کانون، شماره ۶۷، ۱۳۸۵، ص ۶۷

سختگیری را نکرده است و مقرر داشته:

«هرگاه دولت متبوعه شوهر زن را در انتخاب تابعیت شوهر مخیر کرده باشد و زن بخواهد تابعیت مملکت شوهر را دارا شود ترک تابعیت ایرانی زن سهل تر می شود و با تقدیم تقاضا نامه موجه و مدللی به وزارت امور خارجه ایران ممکن است با تقاضای او موافقت شود» (تبصره اول از ماده ۹۸۷ قانون مدنی).

در این ماده، رعایت شروط ترک تابعیت ایران که در ماده ۹۸۸ پیش بینی شده است، لازم نیست بلکه اگر متقاضی تنها دلایل موجهی داشته باشد که ترک تابعیت ایران به صلاح و مصلحت اوست، کفایت می کند. ولیکن طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی در هر کدام از این دو حالت، زن های ایرانی که در اثر ازدواج به تابعیت خارجی شوهر پذیرفته شده اند بعد از وفات شوهر یا تفریق، به صرف تقدیم در خواست به وزارت امور خارجه، به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر یا سند تفریق، حق بازگشت تابعیت اصلی ایرانی خود را با جمیع حقوق و امتیازات راجع به آن خواهند داشت و با هیچ محدودیتی رو به رو نخواهد بود. به نظر می رسد که ماهیت بازگشت به تابعیت همچنان که از مفاد ماده پیداست، رجوع به تابعیت اصلی است، بنابراین شخص مذکور به تابعیت اصلی ایران با تمام ویژگی ها و خصایص آن بازگشت می کند، از این رو، مشمول محدودیت های مندرج در ماده ۹۸۲ قانون مدنی نخواهد بود زیرا تابعیت اکتسابی مربوط به کسانی است که پس از تولد از تابعیت ایران برخوردار می شوند و چنین تعریفی بر متقاضیان بازگشت به تابعیت ایران که در گذشته از زمان تولد تبعه ی ایران بوده و تنها برای دوره معینی از این تابعیت خارج شده اند، صدق نمی کند.^۱

همانگونه که قبلا اشاره شد، طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی چنانچه قوانین متبوع دولت شوهر، تابعیت مرد در حین ازدواج را بر زن ایرانی تحمیل نماید، این زن تابعیت اولیه خود را از دست خواهد داد. در این حالت، تغییر تابعیت زنان ایرانی تا حدودی با اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ارادی بودن تغییر تابعیت مغایر به نظر می رسد؛ چرا که آزادی تغییر تابعیت محدود شده است، مگر آنکه ازدواج را نوعی درخواست تابعیت و تحمیل تابعیت شوهر را نوعی کسب تابعیت تلقی کنیم.^۲

۱. عزیزی ستار و حاجی عزیزی بیژن، پیشین، ص ۲۸۴

۲. توسلی نائینی منوچهر، اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، پیشین، ص ۱۱۴

۴- اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق بریتانیا

بریتانیا یا پادشاهی متحد بریتانیا که نام رسمی آن پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی^۱ است از چهار بخش تشکیل شده است: سه بخش آن کشورهای انگلستان و اسکاتلند و ولز هستند که با هم بریتانیایی کبیر را تشکیل می‌دهند و با ایرلند شمالی پادشاهی متحد بریتانیا را تشکیل می‌دهند. قوانین تابعیت بریتانیا در سالهای ۱۷۷۲، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵ و ۱۸۷۰ میلادی به صورت پراکنده تصویب و تغییراتی نموده است. در سال ۱۸۷۰ موضوع اقامت و ترک تابعیت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۱۴ قانون "تابعیت بریتانیا و وضعیت اتباع بیگانه" به صورت جامع تر تصویب شد. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای مشترک المنافع اقدام به تصویب قوانین خاص تابعیت برای خود نمودند و از این رو قانون جدید تابعیت بریتانیا در سال ۱۹۴۸ مورد تصویب قرار گرفت. رشد مهاجرت از مستعمرات و کشورهای جدید مشترک المنافع به بریتانیا باعث شد تا قانون تابعیت بریتانیا در سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ نیز تغییراتی یابد. این تغییر سریع قوانین مهاجرت باعث شد افرادی که قصد مهاجرت به بریتانیا را دارند سریعتر اقدام نمایند. نهایتاً، قانون تابعیت بریتانیا در سال ۱۹۸۱ به صورت کامل تصویب شد.^۲ در حقوق بریتانیا نیز اصل وحدت تابعیت زوجین و تاثیر ازدواج بر تابعیت زوجین در دو حالت مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- تابعیت زن خارجی که با مرد بریتانیایی ازدواج می‌نماید

در قانون بریتانیا تا قبل از لازم الاجرا شدن قانون ۱۹۸۱ که امروزه اساس قانون تابعیت بریتانیا را تشکیل می‌دهد، از اصل «وحدت تابعیت زن و شوهر» پیروی می‌شد که در نتیجه آن، در اثر ازدواج زن خارجی با مرد تبعه بریتانیا، زن تابعیت بریتانیا را به دست می‌آورد (قانون تابعیت بریتانیا، ۱۹۴۸، بخش دوم، ماده ۱۴). اما پس از اول ژانویه ۱۹۸۳ قانونگذار بریتانیا با عدول از عقیده پیشین خود و با مبنا قرار دادن فکر نوین تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه برای رفع حجر زن به این نتیجه رسید که ازدواج در تابعیت تأثیر ندارد و در نتیجه اگر زن خارجی با مرد بریتانیایی ازدواج نماید، تابعیت بریتانیا به زن تحمیل نمی‌شود بلکه زن بر تابعیت قبلی خود باقی خواهد ماند. بنابراین قانونگذار بریتانیا در مورد ازدواج زن خارجی با مرد تبعه بریتانیا

۱. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland

۲. Stewart Emma & Mulvey Gareth, , *The Impact of Immigration and Citizenship Policy upon Refugees in the UK*, (Published online, 2013), p 1033

سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر را مورد پذیرش قرار داده است (قانون تابعیت بریتانیا، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۶).

اما در کنار این اصل کلی و به منظور ایجاد تسهیلات برای چنین زنی، قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱ در مبحث تابعیت‌های اکتسابی در رابطه با کسب تابعیت بریتانیایی به واسطه ازدواج مقرر می‌دارد زنی که با یک تبعه بریتانیایی ازدواج می‌کند، از این حق برخوردار است که پس از سه سال اقامت برای کسب تابعیت بریتانیا درخواستی را ارائه داده و به تابعیت بریتانیا درآید، منوط بر این که شوهر بریتانیایی، در زمان ازدواج تابعیت بریتانیا را دارا بوده و در فاصله زمان ازدواج تا تاریخ درخواست، از تابعیت بریتانیا خارج نشده باشد. هم چنین زن مزبور می‌بایست در این مدت سمت همسری مرد را حفظ نموده و ازدواج آن‌ها به پایان نرسیده باشد. در حالی که در غیر این صورت، پس از پنج سال اقامت در پادشاهی متحده می‌توانست برای کسب تابعیت بریتانیا اقدام نماید (قانون تابعیت بریتانیا، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۶). در صورت جمع شرایط فوق، زن مزدوج با مرد بریتانیایی، تبعه بریتانیا شناخته خواهد شد.

حالت دومی نیز وجود دارد که طبق شرایط خاص، در صورتی که زن مزبور در فاصله پنج سال از ازدواج خود درخواست تابعیت بریتانیا را بدهد، وزارت کشور در صورتی که صلاح بداند زن را به تابعیت بریتانیایی خواهد پذیرفت. این شرایط عبارتند از: زن با مردی بریتانیایی ازدواج کرده و به واسطه آن حق درخواست تابعیت را دارد، اما در تاریخ ارائه درخواست، دیگر همسر او نباشد. (به بیان دیگر در تاریخ ارائه درخواست، ازدواج آن‌ها پایان یافته باشد.) و مرد مزبور در تاریخ ازدواج، تابعیت بریتانیا را دارا باشد. در این حالت، پذیرش زن به تابعیت بریتانیا برخلاف حالت اول قطعی نخواهد بود و کاملاً به نظر و صلاحدید وزارت کشور بستگی دارد.

در همان قانون تابعیت بریتانیا و در همان بخش، حالت سومی نیز در نظر گرفته شده است که طبق آن باز هم زنی که به همسری مردی بریتانیایی درآمده است، می‌تواند طی مدت پنج سال از ازدواج خود، درخواست تابعیت بریتانیا را بنماید. در این حالت نیز: زن به دلیل ازدواج با مرد بریتانیایی که هم چنان همسر اوست یا این که قبلاً همسر او بوده است، حق ارائه چنین درخواستی را پیدا می‌کند. و مرد مزبور که در تاریخ ازدواج بریتانیایی بوده است، به علت ارائه اظهارنامه ترک تابعیت بریتانیایی این تابعیت را ترک یا نفی کرده باشد. با جمع شدن این دو شرط، زن مزبور می‌تواند درخواست ورود به تابعیت بریتانیایی را در ظرف پنج سال از ازدواج

خود ارائه نماید و در مقابل، وزارت کشور نیز تنها در صورت صلاحدید، می‌تواند او را به تابعیت بریتانیایی بپذیرد (قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱، مبحث تابعیت‌های اکتسابی، بخش ۸). پس همان‌طور که دیدیم، تابعیت بریتانیا به واسطه ازدواج از همان ابتدا و خود به خود منتقل نمی‌گردد، بلکه زن از این حق برخوردار است که یا تابعیت اصلی خود را حفظ کند و یا در صورت تمایل، به طور داوطلبانه تابعیت بریتانیا را بپذیرد.

حتی قانون‌گذار بریتانیایی این حق را برای همسران سابق مردان بریتانیایی یا همسران مردانی که از تابعیت بریتانیا خارج شده‌اند، قایل می‌گردد که بتوانند به تابعیت بریتانیا وارد شوند. با این وجود ورود چنین زنانی به تابعیت بریتانیا، در حالتی که زن همچنان همسر مرد باقی مانده باشد، قطعی و در صورت شرایط فوق، منوط به نظر وزارت کشور خواهد بود.

به طور کلی، مبحث ازدواج و تاثیر آن در تابعیت زوجین در قانون تابعیت بریتانیا، بخش کوتاهی را به خود اختصاص می‌دهد، چرا که همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد اساساً این نظر برای سال‌ها در قانون بریتانیا پذیرفته شده است که زن نیز هم چون مرد دارای تابعیت مستقلی است که ازدواج نمی‌تواند آن را متزلزل کرده و یا تغییر دهد و اصل اساسی در این رابطه «احترام به حقوق زن و خواست او» است. افزون بر این، از ۱۹۵۸ به بعد و رشد مهاجرت از مستعمرات و کشورهای جدید مشترک‌المنافع به بریتانیا و تثیر قوانین ضد مهاجرت نیز تمایل به استقلال تابعیت زنان را تقویت نمود. با این حال، در بریتانیا برای آسان کردن وحدت خانواده نیز شرایط و تسهیلاتی را در نظر گرفته شده است^۱ (کمسیون وزراء انجمن اروپا، ۱۹۹۵)^۲.

۴-۲- تابعیت زن بریتانیایی که با مرد خارجی ازدواج نماید

در قانون بریتانیا در فرض ازدواج زن بریتانیایی با مرد تبعه خارج، سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر جاری می‌باشد و در نتیجه ازدواج تأثیری بر تابعیت زوجین نمی‌گذارد. بنابراین در بریتانیا چه زن خارجی شوهر بریتانیایی اختیار کند و چه زن تبعه بریتانیا با مرد تبعه خارج ازدواج نماید، ازدواج تغییری در تابعیت زوجین ایجاد نمی‌کند و هر یک از زوجین بر تابعیت پیشین خود باقی می‌مانند^۳.

۱. رئیس، پریناز (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

۲. Committee of Ministers Council of Europe 1995

۳. De Gruyther L, "Mixed Marriages", Journal of Comparative Legislation and International Law, Vol. 11, No. 1, 1929, pp34-41

بطور کلی، قانونگذار بریتانیا چه در تحصیل تابعیت بریتانیا و چه در ترک آن، اصل استقلال تابعیت زوجین را در روابط خانوادگی پذیرفته است و بنابراین اگر مرد یا زن بریتانیایی اقدام به ترک یا تحصیل تابعیت بریتانیا نماید در تابعیت همسر او هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود مگر اینکه زن و شوهر هر دو تقاضای ترک یا تحصیل تابعیت بریتانیا را نموده باشند (قانون تابعیت بریتانیا، ۱۹۸۱، بخش اول، ماده ۱۲).

۵- بررسی اصل وحدت تابعیت زوجین در کنوانسیون‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه بسیاری از کشورها از جمله پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه تابعیت ملحق شده‌اند بررسی مفاد این کنوانسیونها در مورد اصل وحدت یا استقلال تابعیت زوجین ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۱- کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه در مورد تعارض در حقوق تابعیت^۱ (۱۹۳۰)

اگر داشتن تابعیت برای هر شخصی جزء ضروریات نظم بین‌المللی است، همان نظم ایجاب میکند که هر شخصی تنها تابعیت یک دولت را داشته باشد. برای رفع مشکل تابعیت مضاعف، اقداماتی در سطح بین‌المللی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون لاهه در مورد تعارض تابعیت مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ اشاره کرد. در واقع یکی از اهداف کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه، حل مشکلات مربوط به تعارض قوانین مربوط به تابعیت در کشورها بوده است که باعث ایجاد تابعیت مضاعف (در فرض تعارض مثبت) و بی‌تابیتی (در فرض تعارض منفی) می‌شود.^۲ در مقدمه کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه به ایده آل بودن حذف تابعیت مضاعف و مفید بودن امحاء آن مقرر گردیده: «با اطمینان به اینکه به نفع کل جامعه بین‌المللی است که تأمین نماید که تمامی دولت‌ها این موضوع را به رسمیت بشناسند که هر شخص بایستی دارای تابعیت باشد و تنها دارای یک تابعیت باشد.^۳ با شناسایی این ایده‌آل که تلاش‌های بشری در این حوزه بایستی متوجه لغو تمام موارد بی‌تابیتی و تابعیت مضاعف باشد». این توصیه‌ی قرارداد لاهه شامل دو اصل اساسی "لزوم تابعیت" و "وحدت تابعیت" است.

۱. *Convention on Certain Questions Relating to the Conflict of Nationality Law - The Hague, 12 April 1930*

۲. عابدین، حسین (۱۳۷۸)، "ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی"، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۲۸، ص ۳۴۸

۳. بالازاده، زهره، حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان، (تهران،

نشر مردم سالاری، ۱۳۸۳)، ص ۴۷

همچنین فصل سوم این کنوانسیون به مبحث «تابعیت زنان متأهل» اختصاص داده شده است. در این رابطه، ماده ۸ کنوانسیون بیان می‌دارد: «اگر قانون دولت متبوع زن باعث از دست رفتن تابعیت او به واسطه ازدواج با یک فرد خارجی گردد، این نتیجه می‌بایست مشروط به تحصیل تابعیت دولت متبوع شوهر باشد». به طوری که مشاهده می‌شود، این قاعده برای جلوگیری از بروز بی‌تابعیتی در زنانی است که با فرد بیگانه ازدواج می‌کنند و در پی وضع سیستم خاصی برای تابعیت زن پس از ازدواج نمی‌باشد. مواد ۱۰ و ۱۱ این کنوانسیون نیز بیان‌کننده‌ی آن هستند که اولاً تغییر تابعیت شوهر در طول دوران ازدواج نباید بر تابعیت همسر تأثیری بگذارد، مگر اینکه این امر خواسته‌ی خود زن باشد. در ثانی تابعیت اصلی زن که در اثر ازدواج آن را از دست داده است، پس از انحلال ازدواج، تنها با رضایت خود وی به او برگردانده می‌شود. همچنین هرگاه زن تابعیت اولیه خود را به دست آورد، تابعیتی را که در اثر ازدواج به دست آورده بود از دست خواهد داد.

۵-۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

بند ۱ از ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند: «هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد». برابر بند ۲ همین ماده: «احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد». در کنار این ماده می‌توان به ماده‌ی ۷ همین اعلامیه نیز اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «همه در برابر قانون مساوی اند و حق دارند بدون تبعیض و به طور مساوی از حمایت قانون برخوردار باشند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که نقض‌کننده‌ی اعلامیه‌ی حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند». با جمع این دو ماده می‌توان گفت که طبق این اعلامیه زنان و مردان باید در موضوع قوانین تابعیت نیز از حقوق مساوی برخوردار بوده و بتوانند اختیارات خود را در این باره به طور یکسان اعمال کنند^۱. با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که اعلامیه جهانی حقوق بشر استقلال تابعیت زوجین را پذیرفته و پیروی از اصل وحدت تابعیت زوجین را که در واقع تحمیل تابعیت زوج بر زوجه است را تبعیض علیه زنان می‌داند.

۱. ایمانی نائینی، محسن؛ صادقی، محمود؛ عبدی، فاطمه، "بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی"، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، شماره ۱۳۹۰، ۵۴ صص ۱۳۴-۹۱

۵-۳- کنوانسیون تابعیت زنان ازدواج کرده (۱۹۵۷)^۱

این کنوانسیون که مختص مسئله‌ی تابعیت زنان شوهردار و تأثیر ازدواج بر تابعیت آنهاست در ۲۰ فوریه ۱۹۵۷ در نیویورک به تصویب رسید و شامل یک مقدمه و ۱۲ ماده است. با نگاهی به این کنوانسیون می‌توان دریافت که ازدواج هیچ تأثیری بر تابعیت زنان ندارد به طوری که ماده‌ی ۱ آن مقرر می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو موافقت می‌نماید که نه انعقاد و نه انحلال عقد ازدواج میان یکی از اتباعشان و یک فرد بیگانه و نه تغییر تابعیت توسط شوهر در طول دوران ازدواج، به طور خود به خود تابعیت زن را تغییر نخواهد داد».

همچنین طبق ماده‌ی ۲ همین کنوانسیون، "تحصیل داوطلبانه‌ی تابعیت یک کشور دیگر یا بازگشت به تابعیت اصلی توسط مرد نمی‌بایست مانع از حفظ تابعیت همسرش گردد". در ماده ۳ کنوانسیون هم تأکید شده است که "زمانی که زن خارجی با مرد تبعه عضو کنوانسیون ازدواج نماید، تابعیت دولت عضو به زن خارجی تحمیل نشود و این زن بر تابعیت قبلی خود باقی بماند و چنانچه بخواهد تابعیت دولت عضو را به دست آورد، دولت عضو باید امکان پذیرش به تابعیتش را برای وی فراهم آورد". به همین ترتیب کلیه‌ی مواد این کنوانسیون بر آنند که هرگونه تأثیر در تابعیت زن را که ممکن است به تبع ازدواج یا تغییر و تحولات تابعیت همسر به وجود آید، نفی کنند. در این موضوع سیستم استقلال تام تابعیت در کنوانسیون پذیرفته شده و کنوانسیون میان زنان تبعه و بیگانه تفاوتی قائل نیست.

۵-۴- اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)^۲

کنوانسیون رفع تبعیض، تابعیت را یکی از حقوق زنان دانسته و به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که در این مورد به زنان حقوق مساوی با مردان اعطاء کنند. از این رو ماده ۹ کنوانسیون که دارای دو بند می‌باشد به بیان این حق اختصاص دارد و مقرر می‌دارد که ازدواج با فرد خارجی یا اصولاً تغییر تابعیت شوهر نباید هیچگونه تأثیری بر تابعیت زن داشته باشد لذا از دولت‌ها می‌خواهد که تضمین کنند ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران پس از ازدواج، خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد (ذیل بند ۱ ماده ۹). بنابراین کنوانسیون به طور آشکار از نظریه «استقلال تابعیت» زن

۱. *Convention on the Nationality of Married Women*. New York, 20 February 1957

۲. *The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW)*, adopted in 1979

پیروی نموده و تحمیل اجباری تابعیت شوهر را نفی کرده است.

۵-۵- اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون اروپایی تابعیت (۱۹۹۷)^۱

کنوانسیون اروپایی تابعیت در مقدمه‌ی خود علاوه بر در نظر داشتن اسناد بین‌المللی بی‌شماری که در مورد تابعیت، چند تابعیتی و بی‌تابعیتی وجود دارد، این مسئله را شناسایی کرده و اذعان داشته در مسائل راجع به تابعیت، باید به منافع مشروع دولت‌ها و افراد توجهی خاص مبذول شود. همچنین در این مقدمه بر آگاهی از حق احترام به خانواده - که در ماده‌ی ۸ کنوانسیون «حمایت از حقوق بشر و آزاد یهای اساسی» درج گردیده است - تأکید شده است. چند ماده از این کنوانسیون نکاتی مختص تابعیت زن را مطرح کرده است:

الف) در بند ۴ ماده‌ی ۴ از فصل دوم، بیان می‌شود که ازدواج و انحلال آن میان تبعه‌ی دولت عضو و یک فرد خارجی و تغییر تابعیت یکی از همسران در دوران ازدواج، هیچ کدام به خودی خود بر تابعیت همسر دیگر تأثیر نخواهد داشت.

ب) ماده‌ی ۵ این کنوانسیون مقرر می‌دارد:

۱) قواعد تابعیت دولت عضو نباید شامل تبعیضات یا متضمن رویه‌ای باشد که باعث تبعیض بر مبنای جنس، مذهب، نژاد، رنگ، منشأ ملی یا نژادی گردد.

۲) هر دولت عضو اصل عدم تبعیض را میان اتباع خود اجرا خواهد نمود، اعم از اینکه آنها به محض تولد تبعه‌ی آن دولت گردیده باشند یا آنکه بعداً تابعیت آن کشور را تحصیل نموده باشند.

در کنار استقلال تام تابعیت که توسط این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است، مورد الف از بند ۴ ماده‌ی ۶ کنوانسیون هم دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا در قوانین داخلی خود، کسب تابعیت برای «همسران اتباع خویش» را تسهیل کنند.^۲

بنابراین طبق این کنوانسیون ازدواج مرد تبعه با زن خارجی موجب تحمیل تابعیت مرد بر تابعیت زن خارجی نخواهد بود و وی بر تابعیت قبلی خود باقی مانده و در صورت تمایل می‌تواند بعد از گذشت مدت زمانی تابعیت همسر خود را کسب کند، و زن تبعه نیز به هنگام ازدواج با مرد خارجی تابعیت خود را به دلیل تحمیل تابعیت مرد خارجی از دست نمی‌دهد.

۱. *European Convention on Nationality*. Strasbourg, 6.XI.1997

۲. ایمانی نائینی محسن و همکاران، پیشین، ص ۱۱۶

۶- نگاه تطبیقی

در حقوق ایران طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م هر زن تبعه خارجه را که شوهر ایرانی اختیار کند بدون توجه به قانون کشور متبوعش و بدون لحاظ هیچ شرط دیگری تبعه ایران شناخته است (اصل وحدت تابعیت زوجین) و در صورت فوت یا طلاق این زن به تابعیت ایرانی باقی می ماند. در صورت ترک تابعیت شوهر نیز تنها در صورتی تابعیت زن تغییر می یابد که بر اساس ماده ۹۸۸ ق.م اجازه دولت شامل حال زن هم بوده باشد. در بریتانیا از سال ۱۹۸۱ به بعد اصل وحدت تابعیت زوجین در صورت ازدواج مرد تبعه بریتانیا با زن خارجی دیگر مطرح نیست و ازدواج بر تابعیت اثر ندارد و به این دلیل تابعیت مرد به زن تحمیل نمی شود، ولی ازدواج یکی از شرایط تسهیل اخذ تابعیت اکتسابی است و همسر خارجی یک فرد بریتانیایی (اعم از زن یا مرد) با داشتن سایر شرایط اخذ تابعیت و سه سال اقامت در بریتانیا می تواند تابعیت بریتانیا را کسب نماید.

در حقوق ایران ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی به استناد ماده ۹۸۷ ق.م و با توجه به قانون متبوع شوهر سه وضعیت به وجود می آورد. یا زن تابعیت ایرانی خود را حفظ می کند یا تابعیت شوهر بر او تحمیل می شود و یا زن با اختیار خود تابعیت شوهر را انتخاب می کند (با موافقت وزارت خارجه). ولی با ازدواج یک زن بریتانیایی با مرد خارجی تغییری در معادلات ایجاد نمی شود و زن کماکان به تابعیت بریتانیایی خود باقی می ماند. همچنین بر اساس ماده ۹۸۴ ق.م تابعیت ایرانی مردی که به تابعیت ایران پذیرفته میشود در تابعیت همسر او نیز اثر می کند (اصل وحدت تابعیت زوجین) ولی در بریتانیا به خاطر استقلال کامل تابعیت در روابط زوجین تحصیل تابعیت هر یک از همسران تاثیری در تابعیت دیگری ندارد (مگر اینکه تقاضا مربوط به همسر نیز باشد).

با نگاهی به کنوانسیون های بین المللی در مقایسه با حقوق ایران و بریتانیا مشاهده می شود که اصل وحدت تابعیت زوجین در این کنوانسیونها همانند حقوق بریتانیا کنار گذاشته شده است. شاید دلیل اصلی این است که بریتانیا به بسیاری از این کنوانسیون ها ملحق شده است. در کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه در مورد تعارض در حقوق تابعیت در مواد ۱۰ و ۱۱ اشاره شده که اولاً تغییر تابعیت شوهر در طول دوران ازدواج نباید بر تابعیت همسر تأثیری بگذارد، مگر اینکه این امر خواسته ی خود زن باشد. در ثانی تابعیت اصلی زن که در اثر ازدواج آن را از دست داده

است، پس از انحلال ازدواج، تنها با رضایت خود وی به او برگردانده می‌شود. همچنین هرگاه زن تابعیت اولیه خود را به دست آورد، تابعیتی را که در اثر ازدواج به دست آورده بود از دست خواهد داد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) نیز در بند ۲ ماده ۱۵ اشاره شده که «احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد». در کنوانسیون تابعیت زنان ازدواج کرده ۱۹۵۷ با صراحت بیشتری به موضوع پرداخته شده و ماده‌ی ۱ آن مقرر می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو موافقت می‌نمایند که نه انعقاد و نه انحلال عقد ازدواج میان یکی از اتباعشان و یک فرد بیگانه و نه تغییر تابعیت توسط شوهر در طول دوران ازدواج، به طور خود به خود تابعیت زن را تغییر نخواهد داد». نقطه عطف و تاکید بر اصل استقلال تابعیت زن در کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ است که در ماده ۹ مقرر می‌دارد که ازدواج با فرد خارجی یا اصولاً تغییر تابعیت شوهر هیچگونه تأثیری بر تابعیت زن نداشته باشد لذا از دولت‌ها می‌خواهد که تضمین کنند ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج خود به خود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد. همین تاکید مجدداً در کنوانسیون اروپایی تابعیت (۱۹۹۷) مطرح شده است که در بند ۴ ماده‌ی ۴ مقرر می‌دارد که ازدواج و انحلال آن میان تبعه‌ی دولت عضو و یک فرد خارجی و تغییر تابعیت یکی از همسران در دوران ازدواج، هیچ کدام به خودی خود بر تابعیت همسر دیگر تأثیر نخواهد داشت.

با توجه به مباحث فوق، بازنگری در قواعد قانون مدنی ایران در باب ازدواج با تبع بیگانه مندرج در بند ۶ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۷ قانون مدنی و همچنین ماده ۹۸۴ الزامی به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

حضور اتباع خارجی فراوانی در ایران و همچنین حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور و ازدواج اتباع ایرانی و غیر ایرانی موضوع وحدت در تابعیت زوجین را در حقوق ایران با چالش‌های جدیدی رو به رو ساخته و اجرای اصل تعدد تابعیت را در مواردی موجه ساخته است. نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر به مواد قانون مدنی ایران و سایر قوانین مربوطه در رابطه با یکی از مهمترین اصول حاکم بر تابعیت یعنی اصل وحدت تابعیت و مقایسه‌ی آن با حقوق بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی که در متن تحقیق به آنها اشاره گردید نشان می‌دهد که قوانین ایران در این زمینه از بسیاری از تحولات جهانی عقب مانده است.

قانونگذار ایرانی در برخورد با اصل و حدت تابعیت زوجین، دو رویه اتخاذ نموده است: اولاً زنان خارجی در صورت ازدواج با مردان ایرانی به تابعیت ایران در خواهند آمد، در این حالت، قانونگذار اصل وحدت تابعیت را به صراحت پذیرفته است، ثانیاً زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می نمایند چنانچه قوانین متبوع شوهر، تابعیت مرد در حین ازدواج را بر زن ایرانی تحمیل نماید، این زن تابعیت اولیه خود را از دست خواهد داد. اما اگر قوانین متبوع شوهر تحمیل تابعیت را پیش بینی ننموده باشند و یا زن را در انتخاب تابعیت شوهر مخیر کرده باشند زن ایرانی براساس سیستم استقلال تابعیت به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر آنکه با اراده خود و با ترک تابعیت ایران، تابعیت کشور متبوع شوهر را کسب نماید.

با نگاهی به قوانین بریتانیا و کنوانسیون های بین المللی مشاهده شد که چه در اصول و مبانی تابعیت و چه در راهکارهای عملی آن، هیچ تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی شود. به علاوه در مسأله تأثیر ازدواج بر تابعیت اتباع، زن و مرد به مثابه یک ماهیت و تنها به عنوان یکی از زوجین شناخته می شوند، از این رو زنان در صورت ازدواج با اتباع خارجی نه تنها هراسی از مشکلات آینده در زمینه تابعیت و کودکان و اموال خود نخواهند داشت، بلکه به موجب قانون می توانند و این حق را دارند که همسر خود را نیز به تابعیت خود دعوت نمایند.

شاید بسیاری از قواعد مندرج در قانون تابعیت ایران مندرج در قانون مدنی، متناسب با وضعیت و شرایط فردی و اجتماعی در زمان تصویب این قوانین در ایران وضع شده اند و قانونگذار مناسب ترین راه حل را برای معضلات آن روز در نظر گرفته باشد، اما با گذشت چندین دهه از وضع این قانون، اصلاح و بازنگری قواعد و تغییر بعضی قواعد وحدت تابعیت در خانواده به تعدد تابعیت در خانواده از جمله ماده ۹۷۶ و ۹۸۴ و همچنین ماده ۹۸۷ قانون مدنی از ضروریات حقوق بین الملل خصوصی فعلی ایران است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۷۴)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات عتیق.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان
- _____، (۱۳۶۸)، *تعارض قوانین*، چاپ اول، تهران، نشر مرکز دانشگاهی -
- ایمانی نائینی، محسن؛ صادقی، محمود؛ عبدی، فاطمه (۱۳۹۰)، "بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی"، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، سال چهارم، شماره ۵۴، صفحات ۱۳۴-۹۱.
- بالازاده، زهره: «حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان»، تهران، نشر مردم سالاری، چ اول، ۱۳۸۳.
- بداغی، فاطمه، "ازدواج و تابعیت زن ایرانی"، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۳
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۳)، "اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران"، *مجله حقوق خصوصی*، سال دوم، شماره ۷، صفحات ۱۱۶-۱۰۳.
- _____ (۱۳۹۰)، "تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹"، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال دوم، صفحات ۵۸-۳۷.
- حلمی، نصرت‌الله (۱۳۸۷)، *مسئولیت بین‌المللی دولت و نظریه حمایت سیاسی / کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- رئیس، پریناز (۱۳۸۶)، *بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سلجوقی، محمود (۱۳۸۱)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ سوم، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل.
- شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- عامری، جواد (۱۳۵۱)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، انتشارات سایه.

- عابدین، حسین (۱۳۷۸)، "ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی"، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۲۸، صفحات ۳۳۳-۳۵۲.
- عباسی، عاطفه؛ بداغی، فاطمه (۱۳۸۸)، "حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی"، مجله فقه و حقوق خانواده، سال ۱۳۸۸، شماره ۵۱، صفحات ۱۰۵-۸۶.
- عزیزی، ستار؛ حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۹۰)، *تابعیت در حقوق ایران و بین الملل*، چاپ اول، همدان، دانشگاه بو علی سینا.
- فدوی لنجوانی، سلیمان (۱۳۸۵)، "تقدیمی بر قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی" مجله: کانون، شماره ۶۷، صفحات ۶۶ تا ۸۷.
- محمد نبی، حسین (۱۳۸۲)، *حقوق ایران و اتباع خارجه*، چاپ اول، تهران، نشر کشاورز.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل خصوصی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.
- نصیری، محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل خصوصی*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات آگاه.

- Baubock, Rainer, Ersboll Eva, Groenendijk Kees and Waldrauch Harald (2006), *Acquisition and Loss of Nationality*. Policies and Trends in 15 European states. vol. 1: comparative analyses, Amsterdam University Press, -

- De Gruyther L,(1929), "Mixed Marriages", Journal of Comparative Legislation and International Law, Vol. 11, No. 1, 1929,

- Kochenov, Dimitry (2011), "Double Nationality in the EU", European Law Journal, Vol.17, Issue.3, pp.323-343

- Stewart Emma & Mulvey Gareth, (2013), *The Impact of Immigration and Citizenship Policy upon Refugees in the UK*, Published online

قوانین و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی
- قانون تابعیت مصوب ۱۶ شهریور ماه ۱۳۰۸.
- آیین نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶.
- قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲.



- Convention on Certain Questions Relating to the Conflict of Nationality Laws, the Hague. 12 April 1930.
- The Universal Declaration of Human Rights. 10 Dec. 1948.
- British Nationality Act 1948.
- Convention on the Nationality of Married Women, new York. 20 February 1957.
- Convention on the Elimination - British Nationality Act 1981of All Forms of Discrimination against Women.18 Dec 1979.
- European Convention on Nationality.6 Nov. 1997.

